



«مرجان صابنی

تهمورس پورناظری بعد از آلبوم «نه فرشته ام نه شیطان» ، مسیر متفاوتی را برگزیده است. او برای کار تازه‌اش از عنوان «کنسرت پرفورمنس» استفاده کرده. از آنجایی که مدتی است برخی از موزیسین‌ها برخورد مُدگرایانه‌ای را در رابطه با پرفورمنس در پیش گرفته‌اند و در چند وقت گذشته برنامه‌های دیگری هم تحت عنوان پرفورمنس موسیقی در تهران اجرا شده که هیچ‌کدام از آنها پرفورمنس نبوده‌اند. با پورناظری درباره علت این نام‌گذاری و ابعاد دیگر این اجرا به گفت‌وگو نشستیم. هرچند از آنجایی که صحبت ما قبل از اجرا انجام شده، قضاوت کلی ما قطعا منطبق بر اثر نیست و بر مبنای پاسخ‌های ایشان بود. شاید اگر این گفت‌وگو بعد از اجرا انجام می‌شد، مسیر دیگری را می‌پیمود…

«از عنوان شروع کنیم. چرا عنوان این برنامه «کنسرت - پرفورمنس» است؟

ما یک پرفورمنس داریم، یک کنسرت، منته‌ا کار ما نه پرفورمنس است و نه کنسرت.

«منظورتان چیست؟

یعنی کاملا در فرم کنسرت یا پرفورمنس نمی‌کنجد.

«چه عناصری از کنسرت دارد و چه عناصری از پرفورمنس؟

ایین برنامه دو بخش دارد که هرکدام در یک فرم اجرا می‌شود. فرم اول درواقع برشی از پشت صحنه موسیقی است، یعنی ما آخرین تمرین را می‌بینیم، **«یعنی آخرین تمرین را روی صحنه می‌برید؟**

نه، فرم کار به‌لحاظ اجرایی آخرین تمرین است. یعنی مثل کنسرت‌های دیگر نیست که کار را بزینم و برویم. هر اتفاقی که در تمرین می‌افتد، ممکن است روی صحنه هم بیفتد.

«نوازندگانی که با شما کار می‌کنند حرفه‌ای هستند و شما هم تجربه کافی دارید» و الان با این تمرین‌هایی‌که د دارید، فکر نمی‌کنم اتفاقی بیفتد که غیرقابل پیش‌بینی باشد…»

فرم کار هم نیست اتفاقی بیفتد که غیرقابل پیش‌بینی باشد. صرفا آن حالت رسمی و فرمال کنسرت را در بخش اول نداریم.

«یعنی صمیمی تر هستید؟

خیلی عادی‌تریم. قرار نیست خیلی منظم و اتوکشیده روی صحنه حاضر شویم. درواقع بهترین تعریف این است که مخاطب شاهد برشی است که تماشاجی هیچ‌وقت نمی‌بیند. مثل فیلمی که از پشت‌صحنه کنسرت تهیه می‌شود و ما تمرین و گپ‌زدن نوازندگان را می‌بینیم؛ چنین چیزی را روی صحنه می‌بریم، البته با طراحی قبلی، نه به صورت بادهه.

«هم کنسرت و هم پرفورمنس قواعدی دارد که بدون رعایت آنها نمی‌توان به آنها این عنوان‌ها را اطلاق کرد. برای مثال پرفورمنس برپایه ایده اتفاق می‌افتد. ایده این اجرا چیست؟

اول من یک سؤال از شما بپرسم، مبانی یک کنسرت چیست؟

موسیقی‌ای که در هر شکلی، حالا با نوشته‌شده یا بداهه توسط موزیسین به صورت زنده اجرا شود. اما پرفورمنس بر مبنای ایده شکل می‌گیرد. اینکه مخاطبان پشت‌صحنه یا تمرین آخر یک گروه را ببینند چه ایده‌ای در خودش دارد؟

ما اینجا با فضای متفاوتی از اجرای کنسرت روبه‌رویم به همین دلیل اسمش نمی‌تواند کنسرت باشد.

«ایده شما این است که این کار پشت‌صحنه کنسرت را نشان می‌دهد؟ می‌تواند این باشد یا می‌تواند اصلا ایده نداشته باشد. هر چیزی می‌تواند ایده باشد، شاید کسی نباید روی صحنه و سکوت کند این خودش یک ایده است. درواقع پیام کار ما موسیقایی است، پیام نمایشی نیست. یک وقتی ما نمایش موزیکال اجرا می‌کنیم، اما این کار نمایش موزیکال هم نیست.

«ایده موسیقایی‌اش چیست؟

«نمایش موزیکال»، «کنسرت» و «پرفورمنس» همه اسم‌هایی هستند که مفهوم دارند، اما ما نه نمایش موزیکالیم، نه پرفورمنس و نه کنسرت.

«پس چرا عنوان این برنامه را گذاشتید «کنسرت- پرفورمنس»؟

چه باید می‌گذاشتیم؟ شما بگویید ما همان را بگذاریم.

«متأسفانه پرفورمنس در ایران «اجرا» ترجمه شده و این باعث شده هرچیزی را بتوانیم در آن بکنجانیم…»

کنسرت هم اجراست و پرفورمنس نیست.

«بله، کنسرت هم یک نوع اجراست اما هر اجرایی پرفورمنس نیست…» این برنامه کنسرت هم نیست.

«شرایط پرفورمنس را هم ندارد…»

شما کار را دیده‌اید؟

«نه چون هنوز اجرا نشده…»

پس چطور این‌قدر محکم می‌گویید پرفورمنس نیست؟

«چون گفتید ایده ندارد و البته دلالی‌که هنوز به آن نرسیده‌ایم…»

من گفتم دو بخش دارد.

«ما می‌خواهید درباره بخش دوم حرف بزنیم؟

نه، چون پیشاپیش قضاوت می‌کنید باید از صفر شروع کنیم، شما می‌خواهید من را محکوم کنید، اما من هرگز محکوم نمی‌شوم.

«محکومیت برای این بحث کاربرد ندارد. من فقط می‌خواهم درباره عنوان «کنسرت- پرفورمنس» به نتیجه برسیم…»

عنوان به این خاطر است که این برنامه مثل «چرا رقتی»، کنسرت محض نیست. خب اگر بنویسیم کنسرت، مردم وقتی بیایند با چیز دیگری مواجه می‌شوند و مثلا در بخش دوم سه قطعه داریم کاملا کارگردانی شده و پرفورمنس است، چون از تکنیک‌های صحنه تئاتر استفاده کردیم.

«تاتار هم که پرفورمنس نیست؟

نگفتم تئاتر. گفتم تکنیک‌های تاتار در خدمت موسیقی قرار گرفته است.

«ما می‌خواهید کمی در این باره توضیح دهید؟

مثلا در قسمتی از بخش دوم اصلا آرتیست نداریم و فقط سایه است و همه اینها براساس موسیقی طراحی شده ولی نمی‌توانیم بنویسیم: کنسرت – پرفورمنس – سایه‌بازی!

«با به هرچیزی نمی‌توان گفت پرفورمنس. به نظر ما طرافت بیشتری باید با این مسئله مواجه شد…»

وقتی یک نفر رقص طراحی‌شده‌ای را اجرا می‌کند می‌شود پرفورمنس.

«پرفورمنس نمی‌تواند به‌طورکامل از قبل طراحی شده باشد، یعنی به‌نوعی براساس اتفاق شکل می‌گیرد…»

آنچه فرم بدن در آن حضور دارد وقتی بین تاتار و موسیقی است می‌تواند زیرمجموعه پرفورمنس قرار بگیرد، ولی در غرب به معنای اجرا از آن استفاده می‌کنند.

«ما باه اشتباهه هر اجرایی را پرفورمنس می‌دانیم. پرفورمنس ادامه هنرهای مفهومی است و هنرمند بدن خودش را به رسانه تبدیل می‌کند تا بگوید هر

گفت‌وگو با تهمورس پورناظری، موزیسین

هرگز محکوم نمی‌شوم



عکس: مه‌دی حسینی، شرق

اثر هنری‌ای قابل‌فروش نیست و برای همین یک‌بار اتفاق می‌افتد. یعنی اساسا زمینه اعتراضی در ذات خودش دارد…»

در ادامه حرف شما ما هم در این برنامه از بدن استفاده کردیم و به این دلیل نمی‌توانستیم فقط از اسم کنسرت استفاده کنیم.

«شما بلیت می‌فروشید. این ضد فلسفه پرفورمنس است، مگر اینکه فروش بلیت هم بخشی از ایده و خود پرفورمنس باشد. ما در ایران معضلی داریم که وقتی با هر چیزی که محصول سنت ما نیست مواجه می‌شویم، قبل از اینکه به شأن آن پدیده برسیم با آن برخورد مُدگرایانه می‌کنیم و چون اندیشه‌ای پشت این گرایش وجود ندارد به تقلید می‌رسد. منظوم دقیقا کار شما نیست چون هنوز اجرا نشده اما چند وقت است که پرفورمنس موسیقی در ایران مد شده، اما بیشترشان که تحت این نام اجرا شدند پرفورمنس نبودند. می‌خواستیم حالا که شما چنین عنوانی را انتخاب کردید کمی درباره این مسئله حرف بزنیم.

عنوان برنامه ما کنسرت-پرفورمنس است.

«دوباره برگشتید به اول صحبتان. به‌هرحال شما باید برای این ترکیب یک توضیحی بدهید نه‌اینکه با ترکیب این دو نام آنها را از معنای اصلی‌اش تهی کنید. به نظر موزیسین‌های شناخته‌شده باید کنش‌هایشان حساب‌شده‌تر باشد تا برای دیگران الگو شود نه‌اینکه با یک ترکیب تازه معنای اصلی یک جریان هنری را تغییر دهند…»

مصدق بدهید.

«یعنی خود پرفورمنس هم سابقه‌چندانی در ایران‌ ندارد، پرفورمنس موسیقی‌که بماند، چون حتی نمونه قبلی هم ندارد تا از روی آن حتی تقلید کرد. حالا در هنرهای تجسمی وضعیت کمی بهتر است. به‌نظم وقتی می‌گوییم «پرفورمنس»، باید کار شرایط پرفورمنس را داشته باشد نه‌اینکه هر چیزی را تحت این عنوان ارائه دهیم…»

شما یک ترکیب اسمی بدهید ما این را تغییر می‌دهیم و می‌نویسیم که پیشنهاد شما هم بوده.

«فکر می‌کنم و اگر چیزی به ذهنم رسید، می‌گویم، چون به نظر درست نیست با هنر مُدگرایانه برخورد کنیم…»

من خودم هم هستم.

«خب در این حد از خلاقیت چرا باید از اسم جریان‌های هنری جاافتاده استفاده کرد؟

شما در مدرنیته سنتی فکر می‌کنید.

«اتاقا به نظر شما می‌توانستید هیچ اسمی نگذارید و بگذارید کار خودش را تعریف کند.

اگر بخواهیم به اسم گیر بدسیم، می‌توانیم به همه چیز گیر بدسیم. همان‌طور که به نه فرشته‌ام نه شیطان این همه گیر دادند. بعد اسم کنسرت را گذاشتیم «چرا رقتی»، همه صدایشان در آمد که چرا گذاشتید «چرا رقتی»؛ اگر بخواهیم بازی آدم‌های بی‌کار را در بیاوریم، تا ابد می‌توانیم پیش برویم. همین الان قبل از اینکه اتفاقی بیفتد درباره اسم این برنامه به اندازه کافی حاشیه درست شده.

«ما مشکل اسم کار نیست، بلکه عنوان پرفورمنس است…»

این کار در هیچ ژانر و مکتبی نیست. من مخالف، دشمن و اولین رزمنده علیه هر مکتبی هستم. این کار هم جزء هیچ دسته و رسته‌ای نیست.

«چون خودتان به اسم کار اشاره کردید. یک سؤال برای من به‌وجود آمد. شما خودتان مدیر هنری این برنامه هستید و نام «تهمورس و ما» را انتخاب کردید. درصورتی‌که به نظر می‌رسد «ما» این اسم را گذاشته. یعنی خودتان را سوم شخص فرض کردید؟

بیوگرافی آرتیست‌ها را چه کسی در ایران می‌نویسد؟

«مختلف است…»

نه، هرکس خودش می‌نویسد و خودش اسم خودش را می‌برد و از زبان سوم شخص می‌نویسد. یا استاد پایور اسم گروهش را می‌گذارد «پایور»، چه اشکالی دارد؟

«این اشکالی ندارد؛ یعنی اگر اسم کار «تهمورس- تهمورس. تهمورس» هم بود، من اصلا درباره‌اش حرفی نمی‌زدم. فقط برایم جالب بود که شما خودتان را هم «ما» تصور کردید هم «تهمورس…»

ما کیست؟

«نوازنده‌هایتان.

خب تمام شد.

«خب نوازنده‌ها که این اسم را گذاشته‌اند…»

چرا وقتی از آنها بپرسید با کی تمرین داشتید، می‌گویند ما با تهمورس تمرین داشتیم.

«یعنی شما به‌عنوان نوازنده هم در «ما» هستید؟

نه، فرض کنید گروهی است به‌عنوان «ما» مثل گروه شمس.

«یعنی «ما» را به‌عنوان ضمیر بنیینم بلکه به‌عنوان اسم به «ما» نگاه کنیم؟ بله، توجه کنید که شما برای اولین‌بار اعضای این گروه را در کنار هم

و در پوستری می‌بینید. این مفهومی دارد. روزنامه همشهری اجازه نداده ما عکس هنرمندان خانم را در تبلیغ‌امان داشته باشیم. بعد دیدیم اسم برنامه «تهمورس و ما» است، بعد مدیر برنامه گفت تبلیغ باید عکس داشته باشد و فکر کردیم نمی‌شود که عکس من را تنها گذاشت، پس «ما» کیست؟ این «ما» مفهومی دارد. یعنی ما با یک هنرمند طرف نیستیم بلکه با یک جمع طرفیم و نه با یک گروه. من حساسیت دارم که برای هر برنامه یک گروه تشکیل می‌شود و بعد از هم می‌یاشد. «یک فرم است که به‌عنوان اسم انتخاب کردیم.

موسیقی

«ساقه خشک بهار» منتشر شد

نمایشی ویژه از میراث عبدالله دوامی

آلبوم موسیقایی «ساقه خشک بهار» براساس ردیف میرزا عبدالله دوامی و تار و آواز سیاوش ایمانی در قالب دستگاه چهارگاه، آواز افشاری، آواز بیات ترک و آواز کرد بیات روانه بازار موسیقی شد. به گزارش مهر، آلبوم موسیقی «ساقه خشک بهار»، تازه‌ترین اثر موسیقایی سیاوش ایمانی، نوازنده جوان موسیقی ایرانی است که در قالبی متفاوت و طبقه‌بندی‌شده توسط مؤسسه فرهنگی- هنری ماهور روانه بازار موسیقی شده است.

میرعلیرضا میرعلینقی، مؤلف، منتقد و پژوهشگر موسیقی، در متنی که برای آلبوم نوشته، آورده است: محتوای این آلبوم با تکیه بر میراث چهار نفر از استادان ردیف‌دان در نسل‌های گذشته (ردیف‌های سازی و آوازی به روایت عبدالله دوامی، ابوالحسن صبا، نورعلی برومند و فرامرز پایور) شکل گرفته و شبیه

اجرایش با وفاداری کامل به زبان تکنیکی مخصوص تارنوازی و نه بدعت‌هایی که در ۳۰ سال گذشته از سازهای دیگر وارد نوازندگی تار شده، و بدون افتقاد و وابستگی به شیوه معینی از نوازندگی استادان گذشته‌ای امروز، در دستر کلی هنر تارنوازی صد سال گذشته حرکت کرده است.

تأثیراتی که این چهار استاد بر

یکدیگر- و بر روند تحول موسیقی کلاسیک ایران داشته‌اند موضوعی

است که در گنجایش متن این آلبوم نیست و فرصت فراخ‌تری می‌طلبد

و همین‌قدر می‌توان اشاره کرد که در میان این چهار نفر، دوامی،

ردیف‌دان، خواننده، معلم راوی و انتقال‌دهنده محفوظاتی گران‌بها به

نسل‌های بعد، تشخیصی ویژه دارد و غنای زندگی درونی‌اش به چندین

نسل از موسیقی‌دانان اصالت‌خواه

معاصر باری کرده است تا به مدد ارتباط با ریشه‌های گذشته بتوانند

روایت خاصی خود را به آیندگان عرضه کنند. آری، میراث معنوی

او هنوز هم کارآمد است و در اینجا زمینه‌ای شده است برای کاوش‌ها

و آفرینش‌های سیاوش ایمانی که این آلبوم، بیش از آنکه منسوب به

پدیدآورندگانش باشد، معطوف به

میراث هنری عبدالله دوامی است.

اینکه چه اجرایی «ردیف» است، چه اجرایی «ردیفی» (اصطلاح

از محمدرضا لطفی) است،

یعنی موه‌بودیف نیست ولی نشان‌دهنده صورت کلی نسخه‌های

آن است و چه اجرایی برپایه ردیف

گسترش و بسط یافته، بحثی است که بیش از تکیه بر قوانین مشخص و

مدون موسیقایی- اگر چنین قوانینی عملا در دسترس باشند- بر میزان

شناخت و تجربه و ذوق بالایش بافته

مجری/ مخاطب ورزیده تکیه دارد. یعنی به قول قدما: تعیین میزان

صحت و سقم آن، بیشتر برپایه دلالت استحسانی است.

این دلالت‌ها نیز بسیار وابسته‌اند به حد شناخت و تعمق مخاطب

یا مجری از موضوع مورد اجرا، که

شاید مجری هم گاه نتواند به‌روشنی

و قاطعیت اثبات یک قضیه ریاضی یا هندسی، ثابت کند که اجرای

او تا چه حد ردیف (یا ردیفی) هست یا نیست، اگرچه هم او و

همس مخاطبان ذی‌خاطر آن را به‌روشنی می‌فهمند. چندان جز این

هم نمی‌تواند باشد چراکه موسیقی عملا موسیقی است و نه ریاضی

و هندسه و یا هر مقوله دیگری؛ و هدف غایی‌اش رسیدن به بیان است

و تأثیرگذاری. سیاوش ایمانی، به اتکای

سال‌ها آموزش، تجربه، شنود دقیق و تمرین مداوم، به طرزِی درونی

و قابل‌اعتماد، مرزهای ظریف بین نوازندگی صرفا آزادانه و نوازندگی

صرفا مدرسی را در یافته‌است و تصرفاتش در مطالب و محتوای ردیف‌ها برپایه آزادی‌های مقید

است، نه راهی‌های می‌مرز، وی شیوه نواختن انتخابی خود را با

توجه به تفاوت‌های بین ردیف‌های سازی و ردیف‌های آوازی یافته است.

«قصر پغمان» نشانی از شکوه هنر افغانستان

مولود زندگی‌نژاد، پغمان یکی از ولایاتی است که در غرب شهر کابل، پایتخت افغانستان، قرار دارد و با ۱۱۷ قریه کوچک و بزرگ از جمله ولایات مهمی است که از گذشته‌های دور بسیار موردتوجه بوده و آثار باستانی و مکان‌های دیدنی فراوانی را در دل خود جای داده است. «طاق ظفر» که در سال ۱۹۱۹ م در زمان امان‌الله‌خان به مناسبت استقلال افغانستان ساخته شده، هتل بهار، خواجه مسافر ولی (شاه‌نعمت‌الله ولی)، زیارت ۱۲ امام، خواجه صاحبک بخش (قریه خواجه لکن)، خواجه پطوسان ولی (قول سیدها)، سلطان بایزید بستامی (قریه گل سرخ) و پیر بلند صاحب (دره زرگ) از جمله این بناها در این منطقه به‌شمار می‌روند.

در سه‌کیلومتری مرکز پغمان تپه‌ای به نام تپه پغمان است که در سال ۱۳۹۲ قصر مرمرین بزرگی در مدت‌زمان کوتاهی بر بلندی آن بنا شد تا جشن نوروز ۱۳۹۳ با همراهی کشورهای حوزه نوروز در آن برگزار شود اما به دلایل امنیتی در ارگ ریاست‌جمهوری برگزار شد. به گفته «میرزاعلی کاظمی‌موسوی»، فرمانده قوماندان امنیت این قصر، مهندس و طراح این بنای زیبا دکتر «سیدضیاء حسینی» است و در تمامی مراحل ساخت نیز از متخصصان افغان استفاده شده است. هزینه‌ای که برای ساخت این بنا صرف شده، بالغ بر ۱۵ میلیون دلار است؛ اما از زمان ساخت آن تاکنون تنها باغ و محوطه اطراف قصر که دارای فضای دل‌انگیز و آب‌وهوایی ییلاقی است مورد استفاده شهروندان قرار می‌گیرد و از آن بهره می‌برند، اما داخل آن تاکنون به‌دلیل مسائل امنیتی مورد بازدید عموم قرار نگرفته است.

وی متذکر شد: «هزینه نگهداری قصر و فضای سبز آن بسیار زیاد است و چنان‌چه دولت نتواند از عهده آن برآید، این بنای زیبا تخریب خواهد شد.»

محوطه مطبق «قصر پغمان» دارای مساحتی بیش از ۳۰ هکتار است که پر از درختان و گل‌های زیباست و گلدان‌های شمعدانی حس نوستالژی را برای بیننده ایجاد می‌کند. این قصر زیبا نمایی از سنگ‌های مرمر سفید و طوسی دارد و درهای چوبی مثبت، ورودی این بناست، همچنین داخلش از چوب‌های چهارتراش کنر ساخته شده و با قالی‌های دست‌باف هنرمندان افغان و بسیار گران‌قیمت مغروش شده است. در طبقه همکف، سالن کنفرانسی با گنجایش بیش از ۳۰ نفر وجود دارد؛ همچنین تالاری با بیش از ۵۰۰ نفر



گنجایش در آن تعبیه شده است. طبقه فوقانی «قصر پغمان» دارای سالیی است که تابلوهایی به سبک سوخته‌کاری چوب با امضای هنرمند افغانی «س.ش. برنکزی» از تصاویر زمام‌داران حکومت افغانستان از قرن چهارم (ه. ق) به چشم می‌خورد که از «سلطان محمد غزنوی» آغاز شده و به‌ترتیب سلطان قیاس‌الدین، سلسله ابدالی و دیگر پادشاهان، زمام‌داران و رهبران حکومت افغانستان تا عصر حاضر چون احمد شاه‌مسعود، حامد کرزی و محمداشرف غنی‌احمدزی را در پی دارد. همچنین عکس‌هایی از مراحل ساخت این قصر در میان این آثار وجود دارد. اما آنچه بیش از همه اینها ارزش این بنا را چندبرابر می‌کند، تابلوهای نقاشی‌ای است که با تکنیک رنگ‌وروغن و به سبک رئالیسم کشیده شده و متعلق به هنرمندان معاصر افغانی است که «چراگاه» و «بالا حصار کابل»، اثر دکتر محمد یوسف (صفی)، «ابوعلی سینا» و «سیدجمال‌الدین افغانی»، اثر استاد اکبر (سلام) از جمله این آثار به‌شمار می‌روند.

گرچه ساخت «قصر پغمان» هزینه زیادی را بر سر دولت وقت افغانستان تحمیل کرد اما با وجود ازمیان‌رفتن بسیاری از آثار فرهنگی و باستانی این کشور در زمان جنگ‌های خارجی و داخلی، ساخت این بنا و نگهداری از آثار هنرمندان معاصر در این مکان را باید نیک شمرند زیرا در سال‌های آتی این مجموعه می‌تواند چون «طاق ظفر» نشانی از تاریخ هنر مردمان این زمان سرزمین افغانستان باشد؛ مردمانی سخت‌کوش که با همت و کوشش می‌توانند تاریخ فرهنگ و هنر خود را حفظ و اشاعه دهند.

نگاه

موسیقی بوشهر در قالب ریتیم‌های آذری

گروه موسیقی «لیان» بوشهر به‌عنوان تنها گروه ایرانی امسال به فستیوال بین‌المللی ریتم (نقاره) در کشور آذربایجان دعوت شده و در این فستیوال به اجرای ورک‌شاپ و کنسرت خواهد پرداخت. این فستیوال از ۲۲ تا ۲۸ آگوست (۳۱ مرداد تا ششم‌شهریور) ادامه دارد و گروه لیان در روز ۲۴ آگوست (دوم شهریورماه) به اجرای کنسرت خواهد پرداخت.

«محسن شریفیان»، سرپرست این گروه، نیز که برای اجرا با یک گروه کانادایی در فستیوال پریزماتیک (هالی‌فکس) به‌سر می‌برد، در روزهای آینده از کانادا به باکو خواهد رفت تا گروه خود را در این فستیوال رهبری کند.

از برنامه‌های ویژه این گروه، هم‌نوازی «محسن شریفیان» با ساز نی‌انبان و نقاره در اختتامیه این فستیوال خواهد بود.

